

## جایگاه اموال عرفی فاقد مالیت شرعی در جرایم علیه اموال و مالکیت

حسین خوانین‌زاده،<sup>۱</sup> احمد حاجی‌ده‌آبادی،<sup>۲\*</sup> علی مزیدی شرف‌آبادی<sup>۳</sup>

### چکیده:

قوانین کیفری همچون قانون مدنی بدون اینکه تعریفی از مال را بیان کنند، پاره‌ای رفتارها علیه اموال را همچون سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و... جرم‌انگاری کرده‌اند. اموال بر دو قسم اموالی که عرفاً و شرعاً مالیت دارند و اموالی که فقط مالیت عرفی دارند، تقسیم می‌شوند. حقوق مدنی گروه دوم را به عنوان مال به رسمیت نمی‌شناسد، اما قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ربایش این گونه اموال را سرقت تعزیری می‌داند؛ گرچه سرقت حدی نمی‌داند. در مورد سایر جرایم علیه اموال قانونگذار صراحتاً موضع‌گیری نکرده است و در شمول این جرایم نسبت به اینگونه اموال که عرفاً مالیت دارند، ولی شرعاً مالیت ندارند، تردید است. از یک سو، قاعده درء و تفسیر شک به نفع متهم و... بر عدم وقوع و از سوی دیگر، تفسیر منطقی و مبانی فقهی حقوقی جرم‌انگاری تعزیرات و نیز سیر قانونگذاری قاچاق کالا بر وقوع این جرایم در اینگونه اموال دلالت دارند. به نظر می‌رسد نمی‌توان مشروعیت را به عنوان شرط مال محسوب شدن در حقوق کیفری پذیرفت.

**واژگان کلیدی:** مال، مال عرفی، جرایم علیه اموال و مالکیت، سرقت حدی، نظم عمومی، تعزیر.

\* گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

\*\* دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) adehabadi@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

## مقدمه

وجه مشترک جرائم علیه اموال یا جرائم مالی آن است که همه آنها مشتمل بر نقض حقوق مالکانه اشخاص می‌باشد. امروزه، مفهوم مالکیت شخصی یکی از پایه‌های بنیادین بسیاری از جوامع را تشکیل می‌دهد و شناسایی آن لازمه آزادی مدنی اشخاص شمرده می‌شود. تردیدی وجود ندارد که مال و مالکیت از بنیان‌های اصلی جامعه و حمایت از آنها از اهداف مهم دولت‌ها به شمار می‌رود. همانطور که افراد جامعه از آزادی‌های فیزیکی برخوردارند و باید بتوانند مثلاً در مورد شغل یا محل اقامت خود آزادانه تصمیم بگیرند، حقوق و منافع مالی آنها نیز باید مورد حمایت قانونگذاران قرار گرفته و از تعرض مجرمین مصون بماند. بدین ترتیب، تعرض به منافع مالی شخص را می‌توان به تهاجم به جسم او تشبیه کرد، زیرا در هر دو مورد «حریم» وی مورد تجاوز قرار گرفته است. به علاوه، جامعه نیز از ارتکاب جرائم مالی زیان می‌بیند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶: ۲۱).

برای اینکه جرمی وجود خارجی پیدا کند، پیدایش عنصر مادی ضرورت دارد و شرط تحقق جرم آنست که قصد سوء ارتکاب عمل خاصی به مرحله فعلیت برسد. از جمله مولفه‌های عنصر مادی جرایم، «موضوع» است. ابهام اینجاست که مقنن در بعضی از مواد قانون مجازات اسلامی از مال صحبت به میان آورده است، مثل ماده ۲۶۷ و بندهای متعدد ماده ۲۶۸ ق.م.ا. مصوب ۹۲ و مواد ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۶۲ و ۶۶۷ و... قانون تعزیرات مصوب ۷۵ و ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷. گاه در یک ماده هم از مال و هم از نوشته که می‌تواند مال نباشد، سخن رانده است، مثل ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و گاه چتر حمایت خود را بر سر شیئی گسترانده است، به عنوان مثال ماده ۶۷۷ ق.م.ا. ۷۵ بیان داشته:

«هر کس عمدتاً اشیای منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

گرچه موضوع جرم در جرائم علیه اموال و مالکیت به طور کلی، «مال» است، اما مال در یکایک این جرایم یکسان نیست؛ به عنوان مثال، اموال غیرمنقول، موضوع کلاهبرداری و خیانت در امانت می‌باشند، اما موضوع سرقت واقع نمی‌شوند؛ همچنین، اموال منقول، موضوع تصرف عدوانی و ممانعت از حق قرار نمی‌گیرند. بحث پیرامون این مطلب و اینکه آیا مال موضوع حقوق مدنی با مال موضوع حقوق کیفری چه نسبتی دارند، مستلزم شناخت کامل مفهوم مال و رابطه آن با شیء می‌باشد که از حوصله این نوشتار خارج است. آنچه موضوع این نوشتار است، این است که آیا اموال عرفی می‌تواند موضوع این جرایم قرار گیرد. به طور مثال، اگر شخصی بطری حاوی مشروبات الکلی را به امین بسپرد، ولی امین آنرا تلف نماید، آیا می‌توان وی را خائن در امانت

محسوب کرد؟ همچنین، اگر کسی چنین اموالی را به عنوان رشوه بدهد، جرم رشا و ارتشا محقق شده است یا خیر؟<sup>۱</sup> آیا ماده ۶۶۲ قانون تعزیرات ۷۵ که مقرر می‌دارد:

«هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان‌آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت بدست آمده است، آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد، به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد، به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد»، شامل اینگونه اموال خواهد شد؟

آیا دادگاه مکلف است در راستای تکلیف ماده ۶۶۷ همین قانون مبنی بر: «در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده، سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود»، در مورد این اموال هم تصمیم‌گیری نماید؟ همچنین، اگر اینگونه اموال توسط مقامات ذیصلاح توقیف شده باشند و مالک یا دیگری تصرفی انجام دهند که منافی توقیف باشد، براساس ماده ۶۶۳ ق.م.ا (دخالت در اموال توقیفی) قابل مجازاتند؟ ...

سیر مباحث این نوشتار بدین شکل است که ابتدا به تعریف و ویژگی‌های مال در حقوق مدنی و فقه معاملی می‌پردازیم (الف) آنگاه به آراء حقوقدانان در مورد شمول جرایم نسبت به اموال عرفی (ب) و سپس، به ادله عدم وقوع این جرایم در این اموال (ج) و در نهایت، به ادله وقوع می‌پردازیم (د).

### ۱. مال در حقوق مدنی و فقه معاملی

با ملاحظه قانون مدنی مشخص می‌گردد که قانونگذار مدنی تعریفی از واژه «مال» ارائه نکرده، بلکه به ذکر مصادیق آن اکتفا کرده است. مال دارای مفهومی نسبی است و بر حسب زمان و مکان مفهوم آن متغیر خواهد بود. چه بسا چیزی در زمان یا مکان معین و براساس یک فرهنگ خاص، مال به حساب آید، ولی در زمان و مکان یا فرهنگ دیگری آن را مال ندانند. با این حال، در کتابهای واژه‌شناسی حقوق خصوصی بعضاً تعاریف خاصی از مال ارائه شده است. به عنوان مثال، گفته شده: «این لغت معرب از کلمه malorn است که ریشه یونانی داشته است» (جعفری‌لنگرودی،

<sup>۱</sup> عده‌ای از حقوقدانان بر این باورند که جرایم مالی ناظر به جرایم مرتبط با مال هستند، اعم از اینکه مال در آنها «موضوع جرم» باشد (مثل کلاهبرداری و سرقت) یا این که نقش «وسیله جرم» را بازی کند (مثل ارتشاء). لیکن، با توجه به این که ارزشی که در جرمی مثل ارتشا مورد خدشه قرار می‌گیرد، سلامت نظام اداری است، ترجیح آن است که جرم اخیرالذکر را یک جرم «علیه آسایش عمومی» و نه یک «جرم مالی» در نظر داشت (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۵).

<sup>۲</sup> ماده ۶۶۳: «هر کس عالماً در اشیا و اموالی که توسط مقامات ذی صلاح توقیف شده است و بدون اجازه دخالت یا تصرفی نماید که منافی با توقیف باشد و لو مداخله‌کننده یا متصرف مالک آن باشد، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد».

۱۳۸۳: ۴۹۵) و یا «در لغت به هر آنچه که شایسته مالکیت در آمدن و حیازت باشد، مال گویند. به عبارت دیگر، هر عین یا منفعتی را که انسان در عمل مالک شود، به آن مال گویند» (طاهری و انصاری، ۱۳۸۳: ۱۴۴۵).

فقها و حقوقدانان برای ارائه ملاک مال بودن یا نبودن اشیا تلاش کرده‌اند، از آن جمله به اعتقاد دکتر کاتوزیان، به چیزی مال گفته می‌شود که دارای دو شرط اساسی باشد: اول اینکه مفید باشد و نیازی را بر آورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی و دوم، قابلیت اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین را داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۹). همچنین، گفته شده که مال چیزی است که ارزش دادوستد دارد و در برابر آن، پول یا مال دیگری داده می‌شود و از نظر اقتصادی، ارزش مبادله را داشته باشد (امامی، ۱۳۷۷: ۲۶) و در جای دیگری بیان شده که مال در اصطلاح حقوقی، هر چیزی است که انسان می‌تواند از آن استفاده کند و قابل تملک هم باشد (عدل، ۱۳۸۵: ۳۱).

برای تعیین ارزشمندی یک شیء نظرات مختلفی ارائه شده است که به ارائه گزارش مختصری از آن بسنده می‌کنیم. برخی معتقدند که سنجی تعیین ارزش اقتصادی داشتن یک شیء، بنای عقلا به همراه امضای شارع است، یعنی اگر بنای عقلاء برای یک چیز ارزش قائل شود و از سوی شارع مقدس نیز ردع و منعی در پذیرش آن ارزش وارد نشده باشد، آن شیء مالیت دارد. آنها معتقدند که منافعی که در آن شیء وجود دارد، باید مشروع و حلال باشد تا بتوان به آن عنوان مال اطلاق کرد. بنابراین، مشروبات الکلی و تریاک مال نیستند. هر چند عده‌ای دیگر از فقها به این استدلال خدشه وارد می‌کنند و معتقدند شرع مالیت عرفی را به کلی ساقط نمی‌کند، بلکه بعضی آثار آن را سلب می‌کند و خرید و فروش آنها نیز باطل و حرام است (مکی‌عاملی، ۱۴۱۲: ۱۱۸). به عبارت دیگر، آنها میان مالیت شرعی و عرفی قائل به تفکیک شده‌اند، بدین نحو که چیزی را مشمول مالیت عرفی می‌دانند که منفعت عقلایی داشته باشد، لیکن در مورد مالیت شرعی زاید بر منافع عقلایی قید محله را نیز اضافه کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۲: ۳۰۲-۳۰۳).

## ۲. آراء حقوقدانان درباره جایگاه مال عرفی در حقوق کیفری

با این حال، مفهوم مال در حقوق کیفری با حقوق مدنی متفاوت بوده و اقتضائات خاص خود را دارد. این تفاوت به خصوص در بحث شرعیت اموال موضوع جرم، نمود بیشتری دارد.

به طور کلی، در بین حقوق دانان دو نظر وجود دارد: بعضی بر این باورند که این قبیل اشیا نیز موضوع جرایم علیه اموال واقع می‌شوند و استدلال می‌کنند که ممنوعیت معامله و مبادله‌ی این اشیا به معنای این است که افراد نمی‌توانند آنها را مالک شوند و به این اعتبار نیز واجد وصف مال نمی‌شوند، لکن این معنا دلالت بر آن ندارد که دولت هم نمی‌تواند آنها را مالک شود، بلکه

واقعیت این است که چنین اشیایی، متعلق حق دولت قرار می‌گیرند و به این اعتبار باید آنها را مال محسوب داشت. به عنوان مثال، اگر قانون چنین مقرر داشته که افراد نمی‌توانند اسلحه غیرمجاز و یا مواد مخدر را مالک شوند، مفهوم آن چنین است که باید مصادره و یا ضبط شوند و چنین اشیایی در نتیجه‌ی ضبط و مصادره به تصرف و مالکیت دولت در می‌آیند و در این حالت، مصادره و یا ضبط کاشف از حق دولت و مؤید آن خواهد بود. پس مطابق این نظر، مفهوم مال در حقوق جزا گسترده‌تر از مفهوم آن در حقوق مدنی است و چنین اشیایی که از نظر قانون مدنی قابلیت معامله و مبادله ندارند و به عبارت دیگر مال نیستند، موضوع جرایم علیه اموال قرار می‌گیرند (رشدی، ۱۹۸۲: ۲۹).

گروهی دیگر بر این باورند که راجع به مفهوم مال بین حقوق جزا و حقوق مدنی اختلافی وجود ندارد. یعنی هر چیزی که از نظر مدنی، مال (مادی) است، در حقوق جزا حسب مورد موضوع یکی از جرایم علیه اموال قرار می‌گیرد و اگر واجد صفت مال نباشد، موضوع جرایم علیه اموال قرار نمی‌گیرد. در توجیه این نظر گفته‌اند: که قانونگذار در وضع مقررات جزایی مربوط به اموال، در مقام حمایت از حق مالکیت است و هرگاه چیزی واجد صفت و عنوان مال نباشد، به معنای این است که حق مالکیتی هم برای کسی که آن را در تصرف دارد، به وجود نیامده است. بنابراین، چنانچه کسی چنین چیزی را از متصرف برآید، به حق مالکیت او تعدی و تجاوز نکرده و از این حیث، عمل او مشمول عنوان سرقت نخواهد شد. در صورتی که چنین چیزی به مصادره و یا ضبط دولت درآید، حکم اموال عمومی را که از نظر قانونی قابل معامله و مبادله نیستند، پیدا خواهد کرد و در این حالت، همانگونه که قبلاً بیان شد، به اعتبار اینکه متعلق حق دولت قرار گرفته است، ربودن آن سرقت خواهد بود و مادامی که مصادره نگردیده، متعلق حق کسی نیست. لذا نمی‌توان آن را مال و مالکیتی برای آن قائل شد (نجیب حسینی: ۳۱؛ به نقل از منصورآبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۰).

در ارتباط با مفهوم نسبی بودن مال در حقوق کیفری، گفته شده که مفهوم این واژه از قابلیت اختصاص داشتن مجزا است، ولی مرتبط با یکدیگر هستند. عدم قابلیت اختصاص شیء به فرد یا افراد خاص آن چیز را از مال بودن خارج نمی‌کند، برای نمونه خوک و خمر گرچه به ملکیت در نمی‌آیند، اما مال محسوب می‌شوند. به این ترتیب، می‌توان گفت معیار تشخیص مال به عرف شخصی واکگذار شده است؛ که بسته به موقعیتهای گوناگون مصادیق متفاوتی دارد که در نظام حقوقی ما همین معیار پذیرفته شده است (میرسعیدی، سلیمان‌دهکردی، ۱۳۹۶: ۱۶۲). فارغ از اینکه جرایم علیه اموال در اموال عرفی واقع می‌شوند یا خیر، در یک مورد باید پذیرفت و آن جرم سرقت است. توضیح اینکه خصوص ماده ۲۶۷ ق.م.ا. ۹۲ در تعریف سرقت عنوان نموده که سرقت عبارت از ربودن «مال» متعلق به غیر است. آنگاه در بند الف ماده ۲۶۸ یکی از شرایط سرقت حدی

را این می‌داند: «الف- شیء مسروق شرعاً مالیت داشته باشد.» قانونگذار سپس مقرر داشته: «ماده ۲۷۶: سرقت در صورت فقدان هر یک از شرایط موجب حد، حسب مورد مشمول یکی از سرقتهای تعزیری است.» جمع میان ماده ۲۶۸ با ۲۷۶ آنست که شرعاً مالیت داشتن شرط سرقت حدی است، نه سرقت تعزیری. البته، این مطلب از استفتائاتی فقهی پشتیبانی می‌شود، زیرا در پاسخ به این استفتاء:

«الف. با توجه به اینکه یکی از شرایط سرقت این است که مال مسروقه محترم باشد، ربایش اشیائی که بر اساس شرع (یا حداقل فتوای برخی فقهای عظام) یا قانون جمهوری اسلامی ایران خرید و فروش و حمل و نگهداری و استفاده از آن حرام یا ممنوع است، از قبیل هروئین و سایر مواد مخدر، آتن ماهواره‌ای، عکس‌ها، فیلم‌ها و سی‌دی‌های مبتذل و آلات لهو و قمار و غیره چه حکمی دارد؟ آیا سرقت محسوب می‌شود یا در حکم ربایش شراب است؟  
ب. اگر سرقت محسوب می‌گردد، آیا سرقت حدی است یا تعزیری؟»  
برخی مراجع پاسخ دادند:<sup>۱</sup>

«آیت‌الله العظمی تبریزی:

الف و ب. اگر اشیایی که استعمال آنها حرام است، دزدیده، حد ندارد و لکن تعزیر ثابت است. چنان که بعضی اشیای مسروقه ولو ماده آن شرعاً مالیت دارد، اگر با شرایط شرعی سرقت انجام بگیرد، حد ثابت است و الله العالم.  
آیت‌الله العظمی محمد فاضل لنکرانی:

الف. ملاک در سرقت موجب حد این است که مسروق شرعاً ملکیت داشته و بیع آن صحیح باشد، یعنی منفعت محله معتد بها و مقصوده عندالعقلاء داشته باشد. بنابراین، آنچه از اشیای نامبرده چنین نیست، یعنی تملیک و تملک آن و بیع آن مشروع نیست، سرقتش موجب حد نمی‌شود، بلکه در صورت شک نیز حد جاری نمی‌شود.  
ب. سرقت تعزیری محسوب می‌شود.»

البته نظر دقیق آنست که اگر مواد چنین اموالی مالیت داشته و به اندازه نصاب برسد و دزد برای آنها دزدی کرده باشد، با اجتماع شرایط سرقت حدی خواهد بود.  
آیت‌الله العظمی بهجت در پاسخ سوال فوق معتقدند:

«الف و ب. اگر آنها را برداشته که آلات حرام را بشکنند و از بین برد و مواد آنها از قبیل چوب یا آهن را به صاحبانش برگرداند، این کار مانعی ندارد و اگر بخواهد آنها را با موادش، این سرقت است و احکام سرقت را دارد، چون مواد آنها مالیت محترمه دارد.»

۱. برای دیدن تمام استفتائات و بحث تکمیلی ر.ک. به فتوحی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۱۴-۲۱۶؛ باقری، ۱۳۹۷، ج ۲، ۹۵۲-۹۵۶

البته، نویسندگان اعتقاد دارند پاسخ صحیح و دقیق آنست که آیت الله موسوی اردبیلی بیان کردند:

«در فرض سوال، موارد از نظر انحصار منفعت در حرام و یا داشتن منفعت محله و محرمه و از لحاظ این که مالک قصد استفاده حلال یا حرام دارد، یا رباینده می‌خواهد در حلال یا حرام استفاده کند و مواد اشیای مذکوره مالیت دارد یا نه، و اقدام برای سرقت جهت جلوگیری از استفاده حرام و نهی از منکر بوده و امثال اینها، احکام فرق می‌کند.»

### ۳. ادله فقهی حقوقی عدم وقوع

ممکن است در اینجا به ادله‌ای استدلال شود بر اینکه خیانت در امانت و کلاهبرداری و تخریب چنین اموالی و...، شرعاً جرم و قابل مجازات نمی‌باشد. پیش از ورود به بحث، تذکر نکته‌ای ضروری است:

بحث در جایی است که عناوینی همچون دفع منکر و رفع منکر و نهی از منکر و... وجود ندارد. طبعاً در صورتی که کسی با رعایت شرایط نهی از منکر و دفع و رفع منکر به تخریب و از بین بردن چنین اموالی دست زند، از محل بحث خارج است. به تعبیر دیگر، مواردی که شرع اجازه از بین بردن چنین اموالی را داده است، از محل بحث خارج می‌باشد.<sup>۱</sup>

۱. مهمترین دلیل آن است که به اصل عدم تمسک شود که می‌توان آن را به لسان فقهی در دو شکل دلیل فقهی (اصل عملی) و دلیل اجتهادی ترسیم نمود و در لسان حقوقی به اصل قانونی بودن جرم و مجازات اشاره کرد.

توضیح اینکه مجازات کردن دیگری به خاطر ارتکاب رفتاری، نوعی ولایت بر دیگری است، چرا که مال یا آزادی او یا تن او مورد مجازات قرار می‌گیرد و هرگاه شک در ولایت بر دیگری باشد، اصل آن است که هیچ کس بر دیگری ولایت ندارد، مگر اینکه دلیل خاصی باشد (اصل عملی). از سوی دیگر، مجازات کردن، ایذاء دیگری است و آیات و روایاتی که دلالت بر حرمت زدن و اذیت کردن دیگری دارد، شامل محل بحث می‌شود، مگر اینکه دلیل خاصی، این ایذاء را روا بدارد و در متون قرآنی و روایی، آیه و روایتی که دلالت بر مجازات بر خیانت در امانت و کلاهبرداری و... چنین اعمال باشد، نیست (دلیل اجتهادی). به تعبیر دیگر، عدم الدلیل دلیل العدم.

اصل قانونی بودن: جرم فعل یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد (ماده ۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲)، حال قانونگذار تنها در مبحث سرقت حدی، ربایش اموال عرفی را سرقت

<sup>۱</sup> بنابراین، آنچه برخی مراجع (آیت الله العظمی صافی گلپایگانی) در پاسخ استفتاء پیشین بیان داشته‌اند، نقض بحث ما محسوب نمی‌شود: «اشیایی که شرعاً مالیت ندارند، مانند هرویین و آلات قمار یا هر چیز دیگر که در نظر عرف متشرعه منفعت معتد به آن حرام باشد، سرقت و از بین بردن آن اشکال ندارد و در حکم ربایش شراب و از بین بردن آن است، بلکه ربودن و از بین بردن آنها واجب است و الله العالم.»

تعزیری دانسته است که آنهم چنانکه خواهد آمد، مورد تردید است. بنابراین، چون در سایر جرائم چنین تفصیلی را بیان نکرده است، باید به عدم وقوع سایر جرائم نسبت به اینگونه اموال نظر داد.

۲- تفسیر مضیق قوانین کیفری: از نتایج اصل قانونی بودن، آن است که شک به نفع متهم تفسیر شود و قانون، تفسیر مضیق شود و از توسعه جرم‌انگاری خودداری شود. در نتیجه، چون نص صریحی مبنی بر شمول همه جرائم علیه اموال و مالکیت در غیر از جرم سرقت نسبت به اموال صرفاً عرفی نیست، باید به جرم نبودن و مجازات نداشتن قائل شویم.

۳- قاعده دراهم اقتضا می‌کند که چنین رفتارهایی جرم نباشد. گرچه در جریان قاعده دراهم در تعزیرات اختلاف نظر است، اما اولاً برخی فقها جریان دراهم در تعزیرات را پذیرفته‌اند. ثانیاً، چون مفاد قاعده دراهم در ماده ۱۲۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ آمده و این ماده در کتاب اول قانون که «کلیات» است، آورده شده و نیز واژه جرم در این ماده اطلاق دارد و شامل تعزیرات هم می‌شود، باید به عدم شمول جرایم علیه اموال نسبت به اموال عرفی نظر داد. مطابق این ماده:

«ماده ۱۲۰- هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود، حسب‌مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.»

چون موضوع جرایم علیه اموال غالباً مال است و نه شیئی و در انطباق این عنوان بر اموال عرفی شبهه وجود دارد، بنابراین شرط این جرایم ثابت نمی‌شود و در نتیجه، اصل جرم ثابت نیست.

#### ۴. دلایل وقوع جرایم علیه اموال در اموال عرفی

##### ۴-۱. شمول ادله تعزیرات نسبت به اموال عرفی

مجازات‌ها به ۴ قسم حد، تعزیر، قصاص و دیه تقسیم می‌شوند. موجب قصاص و دیه جنایت است که از محل بحث خارج است. حد مجازات اعمالی است که شرعاً حرام‌اند و میزان مجازات آنها در شرع تعیین شده است. اما تعزیر مجازات اعمالی است که غالباً حرام‌اند و میزان مجازات آنها در شرع تعیین نشده است. حال برای قابل مجازات دانستن و شمول جرایم علیه اموال بر اموال عرفی و تعزیری دانستن آن به دو گونه می‌توان استدلال نمود:

اول اینکه چنین رفتارهایی را حرام بدانیم که حرام است. سوال این است اگر کسی مثلاً ظروف پر از شراب را به کسی سپرده باشد و او بدون مجوز شرعی آنها را تلف، تصاحب و استعمال کند، آیا مرتکب فعل حرام نشده است؟ بخصوص که صاحب آنها می‌توانسته آنها را به سرکه تبدیل کند؟ خاصه آنکه ادله حرمت خیانت در امانت اطلاق دارند و شامل اموال عرفی هم می‌شوند؟ خلاصه معیار تعزیر، مطابق نظر اکثر فقها فعل حرام یا ترک واجب است و شکی نیست



که از بین بردن چنین اموالی مشمول ادله‌ای مثل حرمت ایذاء، حرمت اضرار و... قرار می‌گیرند و حرام می‌شوند؛ چنانکه از بین بردن اشیاء متعلق به دیگران هم حرام و قابل تعزیر است. مثلاً اگر کسی، سگ دیگری را که به او سپرده شده و جزو کلاب اربعه نیست، تلف کند، مرتکب حرام شده، چون هر حیوان جاندار، محترم است و نباید آن را سلب حیات کرد. خاصه اگر مثل سگی باشد که هلال احمر و نیروی انتظامی برای کشف مصدومان زیر آوار و زلزله و نیز کشف مواد مخدر بکار می‌گیرند که جزء کلاب اربعه نیستند.

دوم اینکه گاه تعزیر برای اعمالی است که شرعاً حرام نیستند، ولی مصلحت اقتضا می‌کند تعزیر شوند. چنانکه طفل و دیوانه اگر شرب خمر کنند و روابط جنسی نامشروع داشته باشند و... مرتکب فعل حرام نشده‌اند، چون حرمت از زمره احکام تکلیفی است و احکام تکلیفی وجوب و حرمت، مخصوص مکلفین یعنی افراد بالغ و عاقل است، اما چون مصلحت اقتضا می‌کند چنین طفل و دیوانه‌ای تعزیر شوند، فقها به تعزیر چنین افرادی قائلند و به همین جهت، در تعریف تعزیر واژه غالباً حرام به کار رفته است تا اشاره به مواردی باشد که عمل حرمت شرعی ندارد و در عین حال قابل تعزیر است. ادعا آنست که مصلحت اقتضاء می‌کند کسی که بدون مجوز شرعی و قانونی مرتکب جرمی علیه اموال عرفی دیگری شده است، تعزیر شود. پیش‌تر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تعبیر مجازات‌های بازدارنده آمده بود و گاه از آن به تعزیرات حکومتی یاد می‌شد و اینک مشمول تعزیرات است:

ماده ۱۸: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد.

#### ۴-۲. شمول مبانی جرم‌انگاری نسبت به اموال عرفی

در فلسفه حقوق کیفری مباحث متعددی صورت گرفته پیرامون اینکه مبانی جرم‌انگاری چیست و عمل باید واجد چه ویژگی باشد تا بتوان آن را مجازات کرد؟ مبانی متعددی همچون اصل ضرر مطرح شده است، اما یکی از مهمترین مبانی، بحث نظم عمومی است. رفتارهای خلاف نظم عمومی که ضمانت اجراهای غیر کیفری برای آنها مانع از تحققشان نمی‌شود، قابل مجازات‌اند. حال اموال عرفی، چون شرعاً مالیت ندارند، نمی‌توان برای آن ضمانت اجرای مدنی، یعنی الزام به پرداخت قیمت قرار داد؛ حتی اگر بتوان برای آن ضمانت اجرای مدنی قرار دهیم، ضمانت اجرای مدنی مانع ضمانت اجرای کیفری نیست. ذیل ماده ۱۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که ناظر به تعزیرات حکومتی است، بر همین مفاد دلالت می‌کند.

به سخن دیگر، اگر نگاه بر این باشد که اموال عرفی اشخاص ارزشی نداشته باشند، راه برای دست‌اندازی دیگران باز بوده و این دست‌اندازی می‌تواند چهره‌ی نابهنجار به خود گرفته و از سوی دیگر، دارندگان را به پدافند و دادگستری خصوصی جهت احقاق حقشان رهنمون گرداند.

### ۳-۴. انصراف مال به اموال عرفی

خطابات قانون به عرف است و چنانچه قانونگذار خود واژه‌ای را معنا نکند، برای فهم آن از عرف کمک می‌گیریم. قانونگذار هیچ وقت در جرایم علیه اموال، مال را تعریف نکرده، در نتیجه باید به عرف مراجعه کرد و عرف چنین اموالی را مال می‌داند. بله، در خصوص سرقت حدی، قانونگذار ربایش چنین اموالی را موجب حد نمی‌داند. البته، شاید بتوان سرقت حدی را گاه تصور نمود. مثلاً، اگر عالمی کتب ضاله‌ای را تهیه کرده تا به پاسخ شبهات آن پردازد، آیا ربایش آن نمی‌تواند سرقت حدی باشد؟ همچنین، اگر به فرض در فرآیند تبدیل آب انگور به سرکه، کارخانه‌ای مقادیر زیادی آب انگور داشته که الان تبدیل به شراب شده و شخصی آنها را بدزدد، وقوع سرقت حدی بعید نیست.

### ۴-۴. سیر قانونگذاری قاچاق کالا

بررسی سیر قانونگذاری قاچاق کالا نشان می‌دهد قانونگذار مال را اعم از عرفی و عرفی-شرعی دانسته است و با توجه به اینکه قانونگذار برای قاچاق چنین کالاهایی جریمه نقدی معادل قیمت عرفی آنها در نظر گرفته و نیز ربایش این گونه اموال سرقت تعزیری به شمار می‌رود، می‌توان با الغاء خصوصیت سایر جرایم علیه اموال را در این گونه اموال هم محقق دانست. اما درباره بحث مالیت اموال نامشروع نیز اگر به سیر تحولات تقنینی مربوط به حمل و نگهداری و قاچاق مشروبات الکلی توجه کنیم، در خصوص مال محسوب نشدن اموال عرفی در حقوق کیفری ایران تردید خواهیم نمود.

### ۴-۴-۱. وضعیت قبل از تصویب قانون تعزیرات ۱۳۷۵:

در این زمان، اختلاف نظر زیادی بین محاکم وجود داشت که سبب اصدار رای وحدت رویه‌ای به شماره ۵۹۵/۱۲/۹/۱۳۷۳ دیوان عالی کشور گشت که ناشی از دو رای شعب ۳۱ و ۳۴ دیوان عالی کشور بود. شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور در نظریه خود رای شعبه بدوی را در مورد شخصی که به علت قاچاق مشروبات الکلی به جریمه محکوم شده بود، تأیید نمود؛ لکن شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۳۱/۷۶۱ مورخ ۱۳۷۳/۸/۲۸ درباره رای شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی اهواز که مرتکب را به جزای نقدی محکوم کرده بود، بدین نحو اظهار نظر نمود: «... چون مالیت شراب محل شبهه و تردید است و در نتیجه، تعیین جریمه بر اساس مشروبات کشف شده بر مبنای قیمتی که برای آن تعیین شده است، می‌باشد، رای صادره نسبت به پرداخت جریمه قاچاق مشروبات صحیح به نظر نرسیده و رای صادره از جهت پرداخت مبلغ ۲۲۱۴۱۵۴۲ ریال جریمه با استناد ماده ۶ قانون تجدیدنظر آراء دادگاهها نقض بلا ارجاع نموده و حکم صادره در سایر موارد

چون مستند و مستدل می‌باشد، ابرام می‌گردد.»

در نتیجه، با توجه به این تعارض آراء، هیات عمومی دیوان عالی کشور بدین نحو اعلام نظر نمود: «چون به موجب ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق تولید یا ورود یا صدور مشروبات الکلی ممنوع بوده و مرتکبین آن وفق مقررات قانونی مستوجب کیفر هستند و از جمله مجازات مقررہ پرداخت جریمه می‌باشد، لذا به نظر اکثریت اعضای هیات عمومی دیوان عالی کشور، مورد با ماده مرقوم انطباق داشته و رای شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور که بر مبنای اساس این نظر صادر گردیده، موجه تشخیص می‌شود. این رای طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۳۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم‌الاتباع است.»

مشاهده می‌شود که دیوان عالی کشور با تعیین جریمه به نرخ عرفی و پذیرش آن، اقدام به حل اختلاف میان محاکم نمود.

#### ۴-۴-۲. تصویب قانون تعزیرات ۱۳۷۵:

قانونگذار با تصویب ماده ۷۰۳ و نیابردن اسمی از جریمه نقدی بر مبنای نرخ عرفی مشروبات الکلی به نوعی رای وحدت رویه را نسخ کرده است. در این مورد، نظریه مشورتی شماره ۷/۲۷۰۸-۷/۴/۲۲-۷۷ اداره حقوقی وجود دارد که بیان می‌داشت:

«با توجه به مواد (۷۰۳) ق م ا وارد کردن مشروبات الکلی از خارج جرم مستقلی به حساب آمده و عناصر تشکیل دهنده و مجازات مختص به خود را دارد و نتیجتاً، از شمول مقررات قاچاق و رأی وحدت رویه شماره ۷۳/۱۲/۹-۵۹۵ که واردکننده این نوع مشروبات را داخل در قانون مرتکبین قاچاق می‌داند، خارج کرده است. به عبارت دیگر، ماده (۷۰۳) قانون مجازات اسلامی رای وحدت رویه اخیر را که به استناد مقررات دیگری صادر شده است، منتفی می‌سازد.»

از این رو، مجدداً بحث مالیت مشروبات الکلی مطرح گشت.

#### ۴-۴-۳. نظریه تفسیری مجمع تشخیص مصلحت نظام:

کشمکش‌ها در مورد مالیت مشروبات الکلی همچنان ادامه داشت و سبب اصدار احکام متعارضی از محاکم شده بود تا اینکه مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۸ اقدام به تصویب استفساریه در توضیح عبارت (بهای کالا) در بندهای الف و ب ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام نمود که عیناً ذکر می‌گردد:

«ماده واحده: در ارزیابی بهای کالای مشمول بندهای الف و ب ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام،

در مواردی که کالای قاچاق فاقد مالیت و ارزش شرعی باشد، مالیت ارزش عرفی آن ملاک ارزیابی است.»

این اظهار نظر همچون رای وحدت رویه سال ۱۳۷۳ قائل به مالیت عرفی برای مشروبات الکلی شد و به طور کلی، به اظهار نظرها در این مورد پایان داد.

#### ۴-۴-۴. قانون بودجه در سال ۱۳۸۶:

نظریه مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنان به قوت خود باقی بود که قانونگذار در پاراگراف هـ تبصره ۷ قانون بودجه سال ۱۳۸۶ نظر مجمع را دال بر مالیت داشتن مشروبات الکلی مجدداً تأکید نمود و به تعیین جریمه‌های سنگین‌تر در این مورد اقدام نمود، مطابق بند ۱ این پاراگراف «می‌بایست از حداکثر اختیارات قانونی دستگاههای اجرایی علیه محکومان قاچاق کالا و ارز استفاده شود و با بکارگیری توان اجرایی دستگاههای ذیربط نسبت به تشدید مبارزه با قاچاق و پیشگیری از آن اقدام نمود.» در راستای تحقق این خواسته در بخشنامه قوه قضائیه، کلیه مصادیق مشروبات الکلی احصاء و نسبت به قیمت گذاری آنها در سال ۱۳۸۶ اقدام شد. بدین ترتیب، شبهه مالیت داشتن یا نداشتن مشروبات الکلی برای تعیین مجازات به طور کامل از میان رفت، زیرا قانونگذار قیمت عرفی و جهانی این محصول در کشورهای همسایه را مد نظر قرار داد. البته، باید خاطر نشان نمود که با توجه به منطوق این قانون و نیز بخشنامه رئیس قوه قضائیه که این عبارت (پرونده‌های مربوط به سال ۱۳۸۶) را در خود داشت، اینگونه به نظر می‌رسید که این حکم قانونگذار تنها درباره جرایم قاچاق مشروبات الکلی که در سال ۱۳۸۶ رخ داده‌اند، مناط اعتبار است و عمر این قانون نیز تا پایان سال مذکور بود.

#### ۴-۴-۵. اصلاح ماده ۷۰۲ و ۷۰۳ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵:

اصلاح مادتين ۷۰۲ و ۷۰۳ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ۷۵ در سال ۱۳۸۷ تا حدود زیادی وضعیت مالیت مشروبات الکلی را روشن‌تر نمود، به موجب این مواد:

ماده ۷۰۲ (اصلاحی ۱۳۸۷):

«هر کس مشروبات الکلی را بسازد یا بخرد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا حمل یا نگهداری کند یا در اختیار دیگری قرار دهد، به شش ماه تا یک سال حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده محکوم می‌شود.»

ماده ۷۰۳ (اصلاحی ۱۳۸۷):

«وارد نمودن مشروبات الکلی به کشور قاچاق محسوب می‌گردد و واردکننده صرف نظر از

میزان آن به شش ماه تا پنج سال حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان ده برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده محکوم می‌شود. رسیدگی به این جرم در صلاحیت محاکم عمومی است.»

همانطور که ملاحظه می‌شود، قانونگذار صراحتاً مالیت عرفی (تجاری) مشروبات الکلی را پذیرفته و بر آن صحنه گذاشته است.

**۴-۴-۶. مقررات مربوط به قاچاق کالاها ممنوع در قانون مبارزه با قاچاق ۹۲:**

از جمله مقررات مهمی که در چند سال اخیر به تصویب رسیده و بر مالیت اموال نامشروع تأکید نموده، ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ است. در این ماده صراحتاً ارزش اموال ممنوعه (از جمله مشروبات الکلی و آلات و ادوات قمار و...) مقوم به ریال شده است. ماده ۲۲ این قانون در این باره اشعار می‌دارد:

«هر کس مرتکب قاچاق کالای ممنوع گردد یا کالای ممنوع قاچاق را نگهداری یا حمل نماید یا بفروشد، علاوه بر ضبط کالا به شرح زیر و مواد (۲۳) و (۲۴)، مجازات می‌شود:

الف- در صورتی که ارزش کالا تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد، به جزای نقدی معادل دو تا سه برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق.

ب- در صورتی که ارزش کالا از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد، به جزای نقدی معادل سه تا پنج برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق.

پ- در صورتی که ارزش کالا از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد، به بیش از شش ماه تا دو سال حبس و به جزای نقدی معادل پنج تا هفت برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق.

ت- در صورتی که ارزش کالا بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد، به دو سال تا پنج سال حبس و به جزای نقدی معادل هفت تا ده برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق.

تبصره ۱- حکم ماده (۷۰۲) قانون مجازات اسلامی اصلاحی مصوب ۱۳۸۷/۸/۲۲ فقط شامل مشروبات الکلی تولید شده در داخل کشور است.»

تبصره ۴ این ماده در بیان مصادیق کالای ممنوع، صراحتاً از برخی اموال نامشروع نام می‌برد. بر اساس این تبصره: «مشروبات الکلی، اموال تاریخی- فرهنگی، تجهیزات دریافت از ماهواره به‌طور غیرمجاز، آلات و وسایل قمار و آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن از مصادیق کالای ممنوع است.»

به همین ترتیب، در خصوص سایر جرایم علیه اموال و مالکیت نیز با توجه به اینکه در سرقت خصوصیتی وجود ندارد، می‌توان الغای خصوصیت نمود و وقوع سایر جرایم علیه اموال و مالکیت

با موضوع اموال نامشروع را نیز مشمول این وضعیت برشمرد.

#### ۴-۵. پاسخ از دلایل عدم وقوع

گرچه دلایل عدم وقوع جرایم علیه اموال در مال عرفی متعدد است (اصل عدم، تفسیر مضیق؛ قاعده درا و ...)، اما بازگشت همه آنها به یک چیز است و در نقد این ادله باید گفت این ادله، اصل عملی بوده و در فرض شک کاربرد دارند و با وجود ادله‌ای که در فوق گذشت، دیگر جایی برای شک باقی نمی‌ماند تا تمسک به اصل عدم و تفسیر مضیق و... شود. به طور خاص نیز می‌توان از برخی ادله پاسخ داد. مثلاً واقعیت آن است که تفسیر مضیق، تفسیر نیست، زیرا تفسیر یعنی روشن نمودن مقصود گوینده و در تفسیر مضیق، ما مقصود قانونگذار را بیان نمی‌کنیم، بلکه به نفع متهم عمل می‌کنیم. به تعبیر دیگر، تفسیر یعنی بیان مراد قانونگذار. وقتی قانون مبهم باشد، ابتدا باید از طریق تفسیر منطقی، ادبی، تاریخی و... به کشف مراد قانونگذار پردازیم و در صورتی که نتوانستیم مقصود قانونگذار را بدست آوریم، آنگاه به نفع متهم عمل می‌شود. بنابراین، تفسیر مضیق اولاً، تفسیر نیست و ثانیاً، در طول روشهای تفسیر منطقی، تاریخی و... است. حال با ادله فوق مثل انصراف مال به مال عرفی، مبانی فقهی - حقوقی جرم‌انگاری تعزیرات، سیر قانونگذاری قاجاق کالا و الغای خصوصیت از آن و... دیگر ابهامی باقی نمی‌ماند که مقصود از مال در سراسر جرایم علیه اموال، مال عرفی است. در نتیجه، دیگر جای قاعده درا و تفسیر مضیق و... نیست.

#### نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، این سؤال بنیادین مطرح شد که آیا اساساً اموال نامشروع موضوع جرایم علیه اموال و مالکیت قرار می‌گیرند یا خیر؟ با توجه به مباحث و مطالب بیان شده در نوشتار حاضر، پاسخ نگارندگان به این سؤال مثبت است، چرا که مفهوم مال در حقوق مدنی و کیفری با یکدیگر متفاوت بوده و نمی‌توان مشروعیت را به عنوان شرط مال محسوب شدن (آنچنان که در حقوق مدنی مطرح است) پذیرفت و چنانکه جرمی علیه اموال نامشروع واقع شود (اعم از سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری و...)، مانعی برای تعقیب و رسیدگی این جرم وجود نخواهد داشت. از طرف دیگر، چون قانونگذار حمایت خود را از شیء نیز مبذول داشته و شیء نیز اعم از اشیاء مشروع و نامشروع می‌باشد، بنابراین، نامشروع بودن مال باعث نمی‌شود که عمل، جرم محسوب نشود. در نهایت، با توجه به اختلافی بودن موضوع، پیشنهاد می‌گردد قانونگذار صراحتاً موضع‌گیری نماید و با وضع قانونی که قاعده‌ای کلی را دربرداشته باشد، به اختلاف نظر و عمل خاتمه دهد.

## تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

## منابع

- امامی، سیدحسن (۱۳۷۷). **حقوق مدنی**، جلد اول، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه.
- باقری، ابراهیم (۱۳۹۷). **شرح جامع و کاربردی قانون مجازات اسلامی**، جلد دوم، قم، نشر قضا.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳). **فرهنگ عناصرشناسی**، تهران: گنج دانش.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۲). **مصباح الفقاهه فی المعاملات**، جلد دوم، بیروت، انتشارات دارالهدی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). **لغت نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رشدی، مراد (۱۹۸۲). **اختلاس فی جرائم الاموال**، قاهره، جامعه القاہره.
- شهید اول، شمس‌الدین محمدبن مکی عاملی (۱۴۲۱). **الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة**، چاپ اول. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- طاهری، محمدعلی؛ انصاری، مسعود (۱۳۸۳). **دانشنامه حقوق خصوصی**، تهران: انتشارات محراب فکر.
- طوسی، ابو جعفر محمدبن حسن (۱۴۰۷). **الخلاف**، جلد پنجم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- عدل، مصطفی (۱۳۸۵). **حقوق مدنی**، قزوین: انتشارات طه.
- فتحی، حجت‌الله (۱۳۹۳). **شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (حدود)**، چاپ اول، جلد دوم، قم، موسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). **الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)**، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- منصورآبادی، عباس (۱۳۸۲). **موضوع جرم در باب جرایم علیه اموال**، مجله اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره چهارم.
- موسوی‌الخمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). **کتاب البیع**، جلد اول، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- موسوی‌بجنوردی، سیدحسن (۱۴۰۲). **القواعد الفقیه**، قم: انتشارات مطبعه الخیام.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۶). **جرایم علیه اموال و مالکیت**، تهران: نشر میزان.
- میرسعیدی، سیدمنصور؛ سلیمان‌دهکردی، الهام (۱۳۹۶). **بازشناسی اطلاعات مالی در ترازوی حقوق اموال و مالکیت**، پژوهش حقوق خصوصی، ۶(۲۰): ۱۷۳-۱۵۱.